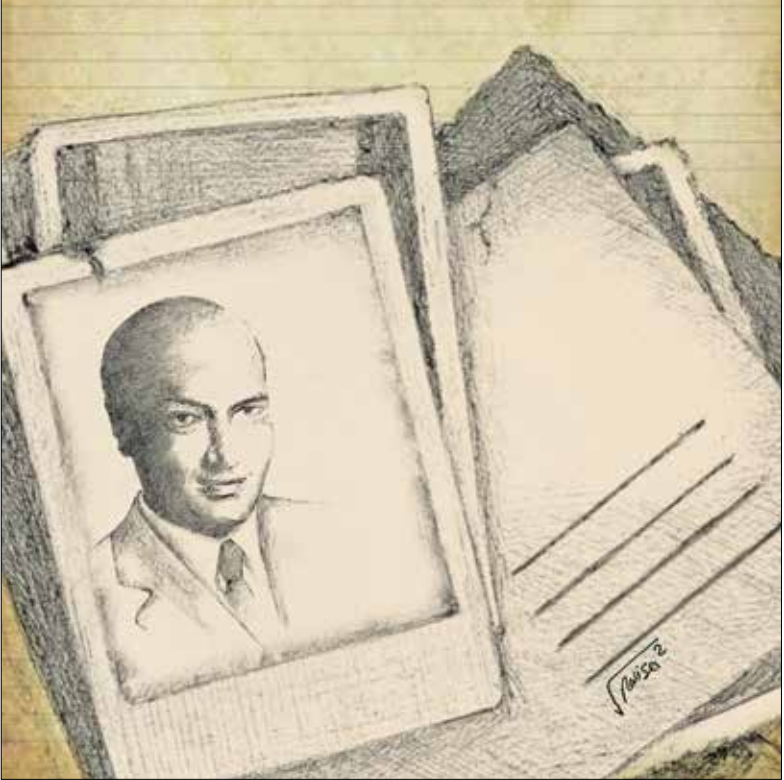


<p>تلفن: ۸۸۷۶۱۷۴۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۴۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵</p> <p>پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸</p> <p>مصدوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰</p> <p>چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی چاپخانه همشهری</p> <p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</p> <p>انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewspaper.ir</p>	
<p>اذان ظهر ۱۳/۰۶ اذان مغرب ۲۰/۴۴ نیمه شب شرعی ۰۰/۱۴ اذان صبح فردا ۴/۰۲ طلوع آفتاب فردا ۵/۴۸</p>	
<p>امام صادق (ع): ممکن است شخصی در کار دنیا زیرک باشد پس گفته شود فلانی آدم بسیار زیرکی است؛ اما زیرک واقعی، کسی است که در کار آخرت، زیرک باشد.</p> <p>سخن روز</p>	
<p>الکافی: ج ۴ ص ۵۵۷ ح ۲، وسائل الشیعه</p>	

		
---------------	--	---------------

نگاره	سالروز درگذشت دکتر علی شریعتی
	پریسا نور الهی



معافیت‌های کرونا یی

شهر وند مجازی	وزارت خزانه‌داری آمریکا با صدور دستورالعملی جدید اعلام کرد مبادلاتی را که برای مقابله ایران با ویروس کرونا ضروری هستند از قوانین تحریم‌ها معاف کرده است.
ماجر ا	دیروز این خبر را در شبکه‌های اجتماعی زیاد دیدیم و کاربرانی هم درباره‌اش نوشتند و به این مسأله اشاره کردند که این معافیت نشان می دهد برخلاف تبلیغ‌ها و ادعاهای برخی، دارو و تجهیزات درمانی از تحریم معاف نبوده‌اند: «این یعنی تا امروز مبادلات مرتبط با مقابله با کرونا در ایران تحریم بود.»، «الان براندازها به خزانه‌داری آمریکا یاد آور می شن که مبادلات مربوط به کرونا مشمول تحریم‌ها نیستند»، «چه خبر خوبی. امیدوارم این باعث بشه واردات واکسن افزایش و تسریع پیدا کنه»، «تنها دو روز پس از ورود موفق واکسن برکت به سید واکسیناسیون ملی ایران، آمریکا طی یک شو آف رسانه‌ای تحریم‌های مربوط به کرونا را موقتاً تعلیق کرد. مشاهده می کنید تنها راه لغو تحریم‌ها، تلاش برای خودکفایی است نه دور

در نمایشگاه کتاب بغداد عنوان شد

علاقه مردم عراق به یادگیری زبان فارسی

خبر	ویژه‌برنامه روز فرهنگی ایران با حضور اکبر شیخ بابایی مدیر خانه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بغداد، محمد اسدی‌موحد، مدیر انتشارات بین‌المللی الهدی، زینب السلماوی، استاد زبان فارسی مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بغداد، حسین‌علی سبزه، نماینده خانه کتاب و ادبیات ایران در بیست‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب بغداد و جمعی از فارسی‌آموزان در بیست‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب بغداد برگزار شد. اکبر شیخ بابایی به استقبال و درخواست فراگیران آموزش زبان‌فارسی در عراق برای حضور گروهی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب بغداد اشاره کرد و گفت: مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بغداد از سال ۱۳۹۴ شروع به‌کار کرد و بیشترین فعالیت این مرکز، آموزش زبان فارسی در سه سطح مقدماتی، متوسطه و پیشرفته با دو روش آموزشی است که زیر نظر دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه تهران فعالیت می‌کند. در ادامه نشست، زینب السلماوی به استقبال فراگیران زبان فارسی اشاره کرد و گفت: مردم عراق علاقه خاصی به فراگیری زبان فارسی دارند که این موضوع از دو جنبه ادامه تحصیل در کشور ایران و وجود مرز مشترک و داشتن اشتراکات فرهنگی، دینی و تجاری قابل بررسی است. با توجه به اینکه شیوع ویروس کرونا باعث شد کلاس‌های حضوری به‌صورت محدود و حداکثر ۱۵ نفره برگزار شود اما این محدودیت باعث انصراف فراگیران از
------------	---

بدون شک زبان فارسی یکی از خوش‌آهنگ‌ترین زبان‌ها است و برای کسانی که به این زبان نیستند، گوش‌نواز خواهد بود. زبان و ادبیات فارسی یکی از مهم‌ترین حلقه‌ها در سلسله آثار ادبیات جهان و گوهری ممتاز در مشرق‌زمین و دنیای اسلام است. سبزه در پایان گفت: خوشبختانه در حال حاضر در اکثر کشورها پویژه کشور عراق به همت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، زبان فارسی در سطوح مختلف آموزش داده می‌شود که گاهی بر غنای ادب فارسی و جایگاه والای آن در این کشور است. در پایان این ویژه‌برنامه، تعدادی از فارسی‌آموزان متون و شعرهای فارسی را خواندند.



بخشی از گفت‌وگوی این نویسنده با خبر آنلاین

باید نهادهای صنفی به صورت واقعی شکل بگیرند

رضا امیرخانی: به گمان من باید در نهادهای صنفی هنرمندان، مسائل کاربردی نظیر قراردادها با ناشران و تهیه‌کنندگان آثار هنری، همچنین نوع تعامل با رسانه‌ها و سایر فضا‌هایی که هنرمند با آنها نسبت دارد، آموزش داده شود. بسیاری از مشکلات نویسندگان به قراردادهایی که ندیده امضا کرده و بدون علم به مفاد آن درباره‌اش تصمیم گرفته‌اند، مربوط می‌شود. این تصمیمات در جوانی تأثیرات زیادی در زندگی نویسندگان ندارد، اما در دوره میانسالی و کهنسالی، می‌توانند ضربات جبران ناپذیری را به نویسنده وارد کنند. راه این نیست که دولت به شیوه‌های سابق و کمیته امدادی به این موضوع توجه کند، راه، یک راه طولانی است، که در آن باید نهادهای صنفی به صورت واقعی شکل بگیرند تا نویسندگان و هنرمندان و شاعران رفتارهای اقتصادی خود را در قالب رفتارهای صنفی و با الگوی رفتارهای صنفی تنظیم کنند.

بخشی از گفت‌وگوی این نویسنده با خبر آنلاین

برخاسته از تئاتر، ماندگار در سینما

هفته پیش روز سالروز تولد سه بازیگر بزرگ سینما و تئاتر ایران است؛ عزت‌الله انتظامی، پرویز پرستویی و رضا کیانیان. متعلق به دو نسل از بازیگران سینما و تئاتر ایران که هر سه وجوه مشترک دارند. نخست این که خاستگاه هر سه آنها تئاتر است. عزت‌الله انتظامی فعالیت اش را در اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ از تئاتر کلاسیک ایران آغاز کرد، کیانیان در دهه ۵۰ و پرستویی هم از کاخ جوانان شوش تئاتر را شروع کرد و به عرصه‌های بزرگ‌تر رسید.

این وجه مشترک از آن جهت مهم است که هر سه جدا از ویژگی‌های منحصر به فرد پرورش یافته دامن تئاتر هستند. بازیگری که از تئاتر شروع کرده، تجربه رو در رو با نفس تماشاگر را دارد، متن‌هایی کار کرده که توسط فرهیختگان نوشته شده‌اند و دارای ارزش‌های ویژه هستند؛ طبعاً بازیگر بهتری نسبت به کسی است که نه صدایش پرورش پیدا کرده، نه ذهنش و نه از نظر بدنی آمادگی دارد. بدن و بیان صرفصالی مهم و مفصل در آموزش تئاتر است و به باور شدن ذهن و آماده شدن بدن بازیگر کمک می‌کند. تفاوت خاصی بین بازیگری روی صحنه و جلوی دوربین است و بازیگری تئاتر بسیار دشوارتر از بازیگری سینماست؛ در تئاتر به مداوم حس نیاز است اما چنین چیزی در سینما ضرورت ندارد. این سه بازیگر علاوه بر تئاتر، در سینما هم حضور موفقی داشته‌اند. نوع بازی آنها البته متفاوت است. عزت‌الله انتظامی معتقد به سیستم استانیسلاوسکی است، یعنی غرق شدن در نقش در حدی که فراموش کنی که چه کسی هستی. نمونه بازی درخشان او در فیلم «گاوه» از همین دست است. او چنان در نقش «مش حسن» و «گاوه» فرو می‌رود که برای مخاطب بسیار باورپذیر می‌شود. بالعکس

یادداشت



احمد طالبی‌نژاد منتقد سینما

دیروز پرستویی و رضا کیانیان از این جمله هستند. به سهم خود تولد آنها را به همه علاقه‌مندان و اهالی سینما و تئاتر و کسانی که برای هنر

بازیگری ارزش قائل هستند تبریک می‌گویم.

حالا وقت حمایت مردم از تئاتر است

تئاتر هنر مردمی است و در این وضعیت کرونا یی که این روزها دوباره نسبتاً حال و هوای بیرون رفتن فراهم است، نیازمند حمایت و توجه مردم است و بهتر است که مردم به دیدن تئاترهایی بروند که با رعایت دستورهای پزشکی و بهداشتی دارند اجرا می‌شوند و کمترین خطر احتمالی آنان را تهدید می‌کند. تئاتر هنر مردمی است چون آینه تمام‌نمایی است که طبیعت انسانی را در برابر دیدگان مردم بازنمایی می‌کند و در دوگونه متداول نیز همواره این خاستگاه وجود داشته و با رعایت همین موضع‌گیری است که تئاتر توانسته هم با برجا بماند و هم به‌عنوان یک نشانه بارز تمدنانه در کشورهای مختلف گسترده شود. یعنی هر چه تعداد تالارهای نمایشی در شهر و سرزمینی بیشتر باشد به‌قاعده همین کمیت می‌توان انتظار داشت که کیفیت نشانگان تمدنانه که مهنا وجود اصالت‌های فرهنگی و استقرار فرهنگ گفت‌وگو و مردم سالاری است، از کیفیت بالاتری برخوردار باشد. با چنین رویکردی می‌توان امیدوار بود که تئاتر برای مردم است. فرقی نمی‌کند که بخواهد در گونه ترازدی اجرا شود و مسائل درونی و متافیزیkal و هستی شناسانه را زیر پرسش ببرد یا اینکه در گونه کمدی بخواهد نقد و نقیی بر مسائل دنیوی و روزمره انسانی داشته باشد. در هر دو گونه نیز معایب و نقصان وجودی انسان است که مورد بررسی واقع می‌شود. حالا تئاتری که میرا از این دو گونه باشد و بخواهد ساز کفوک بزند از قاعده تئاتر بیرون است و جایی هم میان مردم ندارد چون مردم براحتی متوجه تئاتر حقیقی می‌شوند. بنابراین منظور ما از تئاتر همین تئاترهای متفکرانه‌ای است که در ضمن وسیله‌ای برای سرگرم کردن مردم نیز به‌شمار می‌آیند و از اصال لذت بهره‌مندند و بدیهی است که تا انسان از چیزی لذت نبرد نمی‌تواند آن را براحتی بپذیرد و هدف از ارائه تئاتر هم رسیدن به چنین خاستگاهی است ضمن آنکه مقصد نهایی نیز ایجاد اصالت‌های فرهنگی است.

حالا یک سال ونیم است که تئاتر دستخوش سختی‌ها و دشواری‌های ناشی از کروناست و در این روزها که دوباره در تالارهای اجرای تئاتر باز است، اهل تاتر که وقت و زندگی‌شان را صرف مردم کرده‌اند و عاشقانه و بی‌جان دل برای مردم دارند کار می‌کنند کمترین انتظارشان این است که در این روزها از جانب مردم حمایت شوند و آنان با وقت گذاشتن و خرید بلیت بتوانند وضعیت بهتری را مهیا کنند. یعنی تنها نمانند و همه می‌دانند که با همین مختصر درآمد باید یک سال را سر کنند و شاید اقبالی برای حضور در سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی ا‌هم نداشته باشند و در صورت درخ شدن همین‌اندک در آمد شاهد مشکلات بارزتری در تأمین نیازهای روزانه‌شان باشند. با آنکه دولت و نهادهای ذریط هم خواسته‌اند و کمک‌های اندکی را هم در اختیارشان گذاشته‌اند اما با اینها یک زندگی با همه تورم و گرانی چندان گرانده نمی‌شود. باید که در تئاترها باز باشد و مردم از این اجراها استقبال کنند هر چند نیمی از سالن به لطف وضعیت کرونا یی باید خالی باشد.

می‌دانیم که بر اهالی تئاتر این روزها سخت می‌گذرد و اگر همچنان مردم بی‌اعتماد به تئاتر بمانند و کمتر به تئاتر بروند و همین نیمه تالارها را هم پر نکنند، این سختی‌ها و مشکلات ناشی از آن دو چندان می‌شود و این بار سنگین باعث ویرانی زندگی اهالی تئاتر خواهد شد. همیشه حمایت‌ها و نگاه‌های دو جانبه‌است که اتحاد معناداری را رقم می‌زند و پیوستگی هنر و مردم پاسخگوی ایجاد یک فضای فرهنگی برای استقرار آرامش در محیط شهری خواهد شد. با چنین روالی در صورت حذف هر یک از اینها تعادل لازم برای ایجاد بستر فرهنگی فراهم نخواهد بود. تئاتر مردمی‌ترین و فرهنگ سازترین هنر هاست و اگر مردم حامی اش نباشند بتدریج با افول تئاتر همراه می‌شویم و این گسست فرهنگ را به سراشیبی می‌راند و وضعیت زندگی نیز به ناچار اسف انگیزتر می‌شود.

رضا کیانیان چنین اعتقادی ندارد، چنانکه خود در کتاب «شعبده بازیگری» می‌گوید «بازیگر هر نقشی که بازی می‌کند، همان جات تمام می‌شود و بلافاصله از نقش بیرون می‌آید، خودش می‌شود. اگر قرار باشد برای فیلمی که دو ماه طول می‌کشد در قالب همان نقش بمانی پس زندگی شخصی‌ات چه می‌شود؟» بر این اساس کیانیان بیشتر پیرو مند «استلا آدلر» در بازیگری است. پرستویی در تکنیک بازیگری به انتظامی نزدیک‌تر است. او هم پرورش یافته نوعی از تئاتر است که بیشتر حس در آن نقش دارد و البته خودش هم در نقش‌های حس‌ی شدت درجه یک است؛ دودوزدن چشم‌هایی که اشک در آن حلقه بسته و آماده گریه است، صورتی که کاملاً در اختیار است و حس‌ها را بخوبی منتقل می‌کند. این از خوشبختی سینما و تئاتر ما است که آدم‌هایی از این دست دارد. به نظر می‌رسد در سه چهار دهه اخیر به لحاظ بازیگری از کارگردانی جلودتر هستیم؛ بازیگرانی مؤلف داریم که هر نقشی را از آن خود می‌کنند و طوری بازی می‌کنند که حس می‌کنی علاوه بر آنچه در فیلمنامه آمده، پشت نقش فهم و شعور بازیگری هم جریان دارد. بازیگران مؤلف یا بازیگران خردمند کسانی هستند که دوره ندارند بلکه در همه دوران می‌توانند موقعیت خود را حفظ کنند و حضور داشته باشند، مثال روشن اش از نسل گذشته، آنتونی کوپین است و در سینمای ایران هم کسانی همچون استاد عزت‌الله انتظامی، یاد و خاطره‌شان گرمای باد. ستاره‌ها اما بازیگرانی هستند که دوره دارند، یک شبه می‌آیند و می‌روند، شبه ستاره که به محض جلوه‌گری خورشید از فروغ می‌افتند. برخی ممکن است ستاره نباشند ولی بازیگر و هنرپیشه هستند؛ زحمت کشیده‌اند و اصول و تکنیک این کار را می‌دانند. پرویز پرستویی و رضا کیانیان از این جمله هستند. به سهم خود تولد آنها را به همه علاقه‌مندان و اهالی سینما و تئاتر و کسانی که برای هنر بازیگری ارزش قائل هستند تبریک می‌گویم.

درباره «چشم‌ها نبودند»

خاطره‌ها، شکل‌های زندگی کرده دیروز هستند که جادوی بودن شان ما را به طرف آنها کشانده است. در کتاب «چشم‌ها نبودند» واقعیت شکلی جادویی به خود می‌گیرد. همه‌چیز واقعی است. اما نآب است و چون نآب است آب گاه می‌تواند به چشم همه بیاید و گاه هم نمی‌آید. برخی اتفاقات‌ها در تاریخ هر سرزمینی ثبت می‌شوند و بین انسان‌ها مشترکند. گویی خاطره زمین و زمینیانند. مانند جنگ. مانند زلزله. آدم‌ها با آنها تکان می‌خورند و تغییر می‌کنند. در شکلی خاص برای ظاهر شدن می‌گردند. از همین رو افرادی را انتخاب می‌کنند که بتوانند از طریق آنها نقش آفرینی کنند. افرادی را که در رابطه با آنها قرار می‌گیرند به وظایف شان آشنا می‌کنند و اگر در جایی در درستی قرار گیرند سرمنشا اتفاقات مهم و مؤثری خواهند شد. سپس زمان به میان می‌آید. کم‌کم نه که خاطره به مفهوم وقایع گذشته که فراموش می‌شود، بلکه به مفهوم ماندگاری بدل می‌شود و نامش از نو می‌شود از حقیقت‌های زندگی؛ در این داستان که برخی از پیشامدهایش می‌تواند برای همه ما اتفاق بیفتد. فردی یا شاید حضوری در نگاه یکی از شخصیت‌ها پدیدار می‌شود و بدون مداخله مستقیم باعث می‌شود که رخدادهایی برای همین فرد فاش شوند. اما افراد دیگری هم هستند که با این حضور آشنایند و دارند خاطره‌شان را برایمان تعریف می‌کنند. شاید شما هم برای دیگری آن را نقل کردید و شد خاطره همه ما!

پس دیروز و امروز پیوند می‌خورند تا فردایی را بیافرینند. تابعند دیگر.

حتی هنگامی که «چشم‌ها نبودند»!

از قلم نیفتد همسایه‌هایی که حیاط‌های خانه‌شان با نرده‌ای از هم جدا شده... بگذریم؛ این‌هایی که گفتند درباره داستان بلندی است که نوشته‌ام، کتاب «چشم‌ها نبودند». بقیه را خودتان بخوانید.

- **کتاب «چشم‌ها نبودند»**
- **ترانه‌وفایی**
- **انتشارات او**

عکس نوشت

دیروز لنز دوربین عکاس‌های خبری، ثبت و ضبط کننده حضور افشار مردم پای صندوق‌های رای در گوشه و کنار ایران بود و زیبایی این تصاویر مانند این تصویر، گویای تنوع فرهنگی مردم ایران در اقصی نقاط کشور بود و همت‌شان برای در کنار هم ماندن. عکس: پویا یازگرد / مهر-رشت



محبوب من! دنیا آتقد رکل ندارد که در هر خانه حتی یک شاخه گل وجود داشته باشد. تو چگونه باغچه‌هایی پراز گل می‌خواهی؟

رو نوشت، بدون اصل / نادر ابراهیمی

برخی هنوز در برابر کارکرد آموزشی ادبیات جبهه می‌گیرند

بارها از اهمیت و قدرتی که ادبیات در انتقال برخی مضامین و پیام‌های ضروری به کودکان دارد صحبت شده، باین‌حال هنوز هم برخی نسبت به آن جبهه می‌گیرند؛ البته اطلاعی از عقیده همه اهالی کتاب ندارم اما هزار چندی بین نویسندگان جوان هم با مواردی از این دست برخورد‌ام که تأکید بر پرهیز از انتقال هرگونه پیام و آموزش به کودکان دارند. این حالی است که نویسنده آثار کودک، ما بزرگسالان هستیم، آن‌هم باوجود برخورداری از تجربه‌های متعدد؛ حتی اگر قصد انتقال هیچ پیامی را هم نداشته باشیم خواه ناخواه بخشی از تجربه‌های خودمان را در خلال داستان در اختیار مخاطبان می‌گذاریم. از سوی دیگر تکت‌های که نباید فراموش کنیم این است که اینجا مخاطب ما کودک است، همین‌طور که نمی‌شود سراغ آنان رفت. باید هدف یا حرفی داشته باشیم؛ حتی اگر بحث سرگرمی صرف هم در کار باشد بازهم باید مراقب باشیم؛ هر نوشته و گفته ما بر کودکان اثرگذار خواهد بود. شاید دلیل برخی از این تصورات اشتباه را بتوان در نگاهی دانست که از سال‌ها پیش به این قبیل نوشته‌ها بوده، اینکه اگر سراغ بخشی از این کتاب‌ها می‌رفتید این‌طور تمام می‌شدند که: «خب حالا که داستانمان تمام شد، بدانید که پیام آن فلان بوده یا بسیار». هرچند که سال‌هاست دیگر کسی اینگونه نمی‌نویسد، حالا کمتر نویسنده حرفه‌ای را می‌توان یافت که گفته خود را مستقیم و شعارده پیش روی بچه‌ها بگذارد. البته بخشی از این مواجهه منفی با کارکرد آموزشی را هم می‌توان در سؤالی جست‌وجو کرد که حتی حالا هم هرازگاهی در پرسش از نویسندگان شنیده می‌شود. اینکه پیام شما در این داستان چه بوده؟ شاید خود من هم اوایل دلخور می‌شدم؛ اما حالا می‌دانم که در واقعیت هر چیزی که می‌نویسم باید حرفی برای گفتن داشته باشد؛ حتی اگر کفه سرگرمی‌اش سنگین‌تر باشد هم فرقی ندارد. ما هنوز هم در جدال بر سر این هستیم که ادبیات می‌تواند کارکرد آموزشی داشته باشد یا نه! این در حالی است که در کشورها ی دیگر اهمیت بسیاری برای این مسأله قائل هستند. شما نگاهی به چگونگی تعامل نویسندگان و مترجمان آنها با کودکان ببندازید تا متوجه گفتم‌ام شوید. به‌محض انتشار کتاب، صاحب اثر به مدارس می‌رود. برای کودکان با نوجوانان جلسه صحبت درباره آن کتاب برگزار می‌کنند و در این بین برای مخاطبان کم سن و سال حتی فرصتی برای گفت‌وگو با نویسنده یا مترجم اثر فراهم می‌شود. اما اینجا اغلب مدیران مدرسه وقتی به سراغ اهالی کتاب می‌روند که یا ایام برپایی نمایشگاه گفتم‌ام شده یا هفته کتاب است. در نهایت سالی چند مرتبه‌ای از فلان نویسنده دعوت می‌کنند تا بگویند مدرسه ما هم به این مسأله توجه دارد. اما باقی سال دیگری خبری نمی‌شود؛ البته من و همکارانم در نشر افاق، همزمان با انتشار مجموعه کتاب‌های کلاس اولی‌ها با استقبال خوبی از سوی والدین و مدارس روبه‌رو شدیم. شاید بتوان گفت در آغاز شکل‌گیری ارتباط بهتری با مدارس بودیم که متأسفانه بیماری کرونا شیوع پیدا کرد. باین‌حال آن‌طور که برخی تجربه‌ها نشان می‌دهد گویا امروز تعداد بیشتری به طیف موافقان کارکرد آموزشی ادبیات پیوسته‌اند. وقتی در خلال یک داستان موضوعی را به کودکان و نوجوانان آموزش بدهیم مقاومت کمتری در پذیرش در آن به خرج می‌دهند. برای خود من بارها پیش‌آمده که موردی را به فرزندم تذکر دادم‌ام ولی نپذیرفته، اما همان مسأله را وقتی در قالب داستان خوانده و انگشتی مثبت داشته. اما آخرین نکته اینکه ادبیات حتی از فیلم و انیمیشن هم به‌مراتب ابزار قدرتمندتری در این رابطه هست چراکه به بچه قدرت خیال‌پردازی بیشتری می‌دهد. بگذارید نمونه‌ای بگویم؛ وقتی بچه‌ها انیمیشن سیندرلا را می‌بینند برای همیشه او را دختری با موی بلوند و پیراهن آبی تصور می‌کنند؛ اما وقتی همان داستان را در کتاب بخوانند بنابر سلیقه خود خیالپردازی می‌کنند؛ دختر آفریقایی، ممکن است سیندرلا را با رنگ پوست سیاه و حتی بچه‌ای از تبار سرخ‌پوست‌ها آن را شبیه خود ببینند. در داستان، بچه‌ها قادر به تصویرسازی و شخصیت‌ها بر اساس تخیل خود هستند و این یکی دیگر از برتری‌های استفاده آموزشی از ادبیات در مقایسه با دیگر ابزارها همچون سینما است.

